

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول کالبدی - فضایی

شهر تهران عصر ناصری

حسن الهیاری*؛ پژمان افخمی عمله‌قشقائی^۱؛ امیرحسین حاتمی^۲

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸)

چکیده

شهرسازی تهران تا دوره ناصرالدین‌شاه هم‌چنان به شیوه شهرسازی دوره صفوی ادامه یافته بود. این شیوه تنها جواب‌گوی نیازهای یک شهر سنتی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محدود بود. اما از دوران ناصرالدین‌شاه تهران به‌عنوان پایتخت ایران در دوره قاجاریه و در مواجهه با دنیای غرب به بستری برای تحولات در زمینه شهرسازی و الگویی برای دیگر شهرهای ایران در این زمینه تبدیل شد؛ هرچند این تحولات در شکل خالص غربی وارد شهر مذکور نشد و در نمودی ترکیبی و متأثر از جامعه سنتی ایرانی نمایان شد. از این‌رو مسئله پژوهش حاضر بررسی چگونگی تأثیر شهرسازی غربی و جامعه شهری تهران در تداوم و تحول کالبدی - فضایی شهر مذکور در دوره ناصری است. این تحقیق با تکیه بر روش

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

* hasanallahyari@pgu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-3124-0213>

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

<https://orcid.org/0000-0002-0907-1396>

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

<https://orcid.org/0000-0001-7710-894x>

توصیفی - تحلیلی به بررسی مسئله مزبور پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بخش کالبدی شهر تهران در دوره ناصرالدین‌شاه متأثر از تمدن غربی وارد مرحله جدیدی شد. این تغییرات کالبدی - فضایی صرفاً تحت تأثیر دنیای مدرن غرب صورت نگرفت؛ بلکه نیروهای اجتماعی، فرهنگی و هنری بومی و سنتی، تأثیرات جدید را با معماری ایرانی ترکیب کردند. تحولات مزبور از یک جهت در شیوه نوسازی شهری در ابعاد مختلف و از جهت دیگر در بُعد کمی و رشد و زایش و تکثیر عناصر شهر محقق شد. در این بین کارویژه‌های برخی از عناصر شهری تهران مطابق با نیازهای جدید تغییر کرد.

واژه‌های کلیدی: تهران، عصر ناصری، شهرسازی غربی، جامعه شهری، نوسازی شهری، تحولات کالبدی - فضایی.

مقدمه

در جریان شهرسازی و تحولات مربوط به آن، پایتخت‌ها همواره سرمنشأ ابداعات و تغییرپذیری‌های دوران خود بوده‌اند. در دوره حکومت قاجاریه تهران به‌عنوان پایتخت این سلسله تغییرات زیادی را تجربه کرد. تهران که تا دوره ناصری شیوه شهرسازی متداول و سنتی ایرانی با عناصر خاص آن را در خود حفظ کرده بود در این دوره وارد تحولات جدیدی در بُعد کالبدی - فضایی شهری شد. اگر یک بُعد مهم تغییرات عصر ناصری، توجه و ارتباط تنگاتنگ با اروپا در نظر گرفته شود، آنگاه می‌توان تأثیرپذیری شهرسازی ایران به‌طور عام و تهران به‌طور خاص از شهرسازی اروپایی را متصور شد. در واقع برخورد ایرانیان و سران حکومتی با پیشرفت‌های چشم‌گیر غرب موجب تحولات چشم‌گیری در ابعاد گوناگون شهرسازی تهران شد. با این حال این تغییرات بدون در نظر گرفتن نقش جامعه شهری تهران قابل تبیین نیستند. لذا مسئله پژوهش

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران
حاضر بررسی چگونگی تأثیر شهرسازی غربی و جامعه شهری تهران در تداوم و تحول
کالبدی - فضایی شهر مذکور در دوره ناصری است.

بر بنیاد آنچه گفته شد این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که تهران
چگونه و در چه بخش‌هایی با تحولات و تغییرات شهرسازی و معماری جدید آشنا شد
و جامعه شهری تهران در تداوم و تحول عناصر شهری چه تأثیری داشت؟

تحقیق حاضر بر پایه استنتاج مطالعات مقدماتی بر این فرضیه استوار است که
تحولات جدید شهری از طریق دیدار کارگزاران حکومتی از شهرهای مدرن اروپایی و
در پی برخورد با تمدن و جوامع غربی وارد پایتخت شد. این عناصر در شهرسازی
جدید تهران با تأثر از جامعه سنتی ایران در دو وجه تداوم و تحول عناصر کالبدی شهر
هویدا شد. از این رو بخشی از عناصر سنتی شهر به طریق نوسازی، بازسازی و بهسازی
تداوم خصایص سنتی جامعه شهری خود را در شاکله جدید حفظ کرد. در قسمت
دیگر نیز عناصر شهری مرتبط با نظام حکومتی و اداری به شیوه ساخت و زایش عناصر
جدید غربی مشمول تحول شد.

پیش‌تر در مورد تحولات شهرسازی تهران در دوره قاجار، به عصر مشروطه و
سال‌های بعد از آن پرداخته شده است و پژوهشگران کم‌تر به دوره ناصری به‌عنوان
سرمنشأ این تغییرات توجه کرده‌اند. پژوهشگرانی چون حسین کریمان در اثر خود به
نام *تهران در گذشته و حال*، محسن حبیبی در اثر خود به نام *از شار تا شهر*، رامین
جهانبگلو در اثر خود، *تغییرات بافت شهری در ایران* و هم‌چنین مسعود نوربخش در اثر
خود به نام *تهران به روایت تاریخ* غالباً به بُعد بافتاری تحولات شهرسازی تهران
پرداخته‌اند؛ پژوهش‌های نامبرده با وجود بررسی تحولات عناصر شهری تهران، کم‌تر به
عوامل مؤثر بر این تحولات توجه داشته‌اند. در واقع مطالعات مذکور بنابه ضرورت

حیطه پژوهشی، به تحولات کالبدی - فضایی به‌عنوان بخشی از تحولات شهرسازی تهران کم‌تر توجه کرده‌اند. علاوه بر کتب پژوهشی فوق‌الذکر برخی تحقیقات نیز در قالب مقاله درمورد شهرسازی دوره ناصری صورت پذیرفته است؛ از این جمله، شراره فرهاد در اثر پژوهشی خود به‌نام بررسی معماری و شهرسازی در دوره قاجار به‌طور کلی به ویژگی‌های معماری شهرهای ایرانی در دوره قاجار اشاره کرده است. پژوهش مزبور همان‌گونه که از عنوان آن نیز هویدا است، کم‌تر به مقوله شهرسازی در بُعد فضایی - کالبدی و بیشتر به معماری شهرها اشاره دارد؛ همچنین این پژوهش، علاوه بر عدم تمرکز بر شهر تهران، به‌لحاظ زمانی نیز کل دوره قاجار را مدنظر قرار داده است. اثر احمد پوراحمد با عنوان تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه تهران) نیز با وجود قرابت موضوعی غالباً تحولات کالبدی - فضایی شهر تهران را در دوره پهلوی موردتوجه قرار داده است؛ ازاین‌رو در سیر پژوهشی خود، سر منشاء این نوع تحولات شهرسازی را کم‌تر در دوره قاجار به‌ویژه دوره ناصری جست‌وجو کرده است. مینا رمضان‌جماعت نیز در اثر خود به نام تحولات بافتی تهران در دوره قاجار، تغییرات ایجاد شده در نحوه قرارگیری خانه‌ها نسبت به معابر شهری، صرفاً فضای بافتاری شهر تهران را در کل دوره قاجاریه مدنظر قرار داده است. سید ابوالحسن ریاضی در تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار با وجود بررسی تأثیر تجدد بر سازمان‌های شهری شهر تهران، همان‌گونه که از عنوان مقاله نیز برمی‌آید نقطه اتکای زمانی پژوهش مربوط به سال‌های بعد از دوره ناصری بوده است؛ ازاین‌رو کم‌تر به دوره ناصری به‌عنوان سرمنشأ این تحولات توجه شده است. لذا پژوهش پیش‌رو سعی دارد با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از حداکثر ظرفیت منابع کتابخانه‌ای، تحولات کالبدی - فضایی شهر تهران را در دوره ناصری مدنظر قرار دهد و در طی این جریان نقش جامعه

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران
شهری تهران و شهرسازی مدرن غربی را در تداوم و تحول کالبدی - فضایی شهر مذکور
مورد بررسی قرار دهد.

روایت بافت تهران در اواخر دوره فتحعلی شاه و اوایل حکومت ناصرالدین شاه

بعد از انتخاب شهر تهران توسط آقا محمدخان قاجار به عنوان پایتخت، به تدریج برخی
دگرگونی‌ها به لحاظ کمی در آن صورت گرفت. این امر یعنی رشد فضایی شهر به لحاظ
کمی در دوره حکومت فتحعلی شاه نیز ادامه داشت؛ اما تا دوران ناصرالدین شاه تحول
عمده‌ای جز تبدیل چند باغ بزرگ به قصر سلطنتی در آن رخ نداد. به عبارت دیگر در
دوران فتحعلی شاه سبک تهران (هرچند به صورت محدود) پایه‌گذاری شد و سرانجام
در دوره ناصرالدین شاه این سبک به شکل کامل تأسیس شد و مکان‌هایی چون
دارالفنون، تکیه دولت، خیابان‌های جدید و میدان به کالبد شهر افزوده شد. در واقع
توسعه شهری لازمه پایتخت جدید بود. تا این زمان سبک کالبدی و فضایی شهر در
ذیل سبک اصفهان قرار داشت. لذا شهرهای ایران عموماً بعد از دوره صفوی تا قبل از
اینکه تحت تأثیر شهرسازی دنیای غرب قرار بگیرند هم‌چنان به لحاظ بافتاری و
ریخت‌شناسی تابع شیوه شهرسازی دوره صفوی بودند.

تهران به مانند دیگر شهرهای ایران در این دوره از چند محله مسکونی، ارگ
سلطنتی، برج‌ها، مساجد، دروازه‌ها و بازار تشکیل می‌شد. تا قبل از دوره ناصر
شهر دارای پنج محله به نام‌های سنگلج (ناحیه غربی تهران)، ارگ حکومتی (ناحیه
شمالی تهران)، بازار (نواحی مرکزی و جنوبی)، چال میدان (جنوب شرقی) و
عودلاجان (شمال شرق) بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص. ۵۵۶). هر کدام از این محله‌ها
برای ارتباط با خارج از شهر دارای دروازه‌های اختصاصی بودند. دروازه قزوین در
محله سنگلج در محدوده غربی تهران و دروازه ارگ رو به منطقه شمال شهر قرار

داشت و بر روی ارگ سلطنتی باز می‌شد. دروازه شاه عبدالعظیم نیز بازار را به بیرون شهر متصل می‌کرد و در جنوب قرار می‌گرفت. دروازه دولاب در محدوده جنوب شرق قرار داشت و محله چال میدان را با بیرون شهر مرتبط می‌ساخت. سرانجام دروازه شمیران نیز محله عودلاجان را به نواحی شمال شرق تهران متصل می‌کرد (براون، بی‌تا، ص. ۹۷).

در این بین، عودلاجان بزرگ‌ترین محله بود که برخی از شاهزادگان، کارمندان دولت و عده‌ای یهودی و ارمنی نیز در آن ساکن بودند. محله بازار پس از ارگ کوچک‌ترین محله بود و اکثریت اهالی این محله، بازاری بودند و در بازار به کسب و کار اشتغال داشتند، و تعداد کمی از آن‌ها اعیان و کارمندان دولت بودند. اعیان و رجال، سنگلج را بهترین محله تهران می‌دانستند. در سال ۱۲۶۹ ق ساختمان‌های زیادی در آن‌جا ساختند و گلوبندک را توسعه دادند. چال میدان محله بزرگی بود، ولی رجال سرشناس در آن زندگی نمی‌کردند؛ در جامعه شهری تهران ساکنان این محله به دلیل رفتارهای خشنی که از خود نشان می‌دادند از جایگاه اجتماعی نه‌چندان مناسبی برخوردار بودند (هدایت، ۱۳۸۵، صص. ۱۶۰-۱۶۱). ارگ حکومتی به‌عنوان یکی از عناصر مهم کالبد شهری، در شهرهایی که در این دوره از جمعیت و وسعتی برخوردار بودند بنا می‌شد. این عنصر شهری با کارویژه اداری و نظامی نقش خود را در فضای اجتماعی شهر ایفا می‌کرد و به‌لحاظ چینش بافتاری در مراکز شهرها قرار داشت. ارگ بنایی مستحکم بود که بنابه کارویژه اداری و نظامی خود از مصالح مقاوم ساخته می‌شد (موریه، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۷). در تهران ارگ در محدوده مرکزی و رو به شمال قرار داشت و با دروازه خاص خود با بیرون ارتباط پیدا می‌کرد و همین‌طور با دیگر نواحی شهر از جمله بازار متصل می‌شد. این مکان به چند بخش تقسیم می‌شد: بخشی برای

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران

زندگی حاکمان و بخشی برای خدمتکاران و نهایتاً بخش سوم مکان مخصوص امور اداری شهر و دیوان سالاران بود (فلاندن، ۱۳۵۶، ص. ۶۸). از آنجایی که محل زندگی سران قاجار در محدوده ارگ قرار داشت، این مکان بیشتر از دیگر محله‌ها در معرض تحول و تأثیرپذیری بود. با مسافرت‌های سران قاجار به دنیای غرب و رفت‌وآمدهای اروپاییان به تهران اولین تأثیر و به دنبال آن اولین تغییر در بُعد کالبدی و فضایی در محدوده ارگ و کاخ شاهی، یعنی محدوده زندگی آنان صورت می‌پذیرفت.

درواقع جز محله چال میدان، یکی از ویژگی‌های عمده این محلات هم‌گونگی بیشتر آن‌ها با یک‌دیگر بود؛ البته با توجه به گزارش‌های مختلفی که در باب وجود خانه برخی از اعیان در چال میدان آمده است، اشاراتی که محله چال میدان را صرفاً فقیرنشین نشان داده مورد تردید قرار می‌دهد (هدایت، ۱۳۸۵، ص. ۶۳). بقیه محلات به گونه‌ای ترکیبی از فقیر و غنی بودند لذا نمی‌توان گفت که محلات براساس طبقات اجتماعی تقسیم‌بندی شده بودند. اما این اوضاع به همین منوال باقی نماند و در دوره ناصری تحولاتی در این نظام پدید آمد که بیانگر بسیاری امور از جمله افزایش شکاف طبقاتی بود. اولین تحولات عمده با تأسیس دارالخلافه تهران به وجود آمد.

بافت مسکونی در این دوره برخلاف شهرهای دوره مدرن به لحاظ ریخت‌شناسی و چینش عناصر شهری دارای ظاهری نامنظم بود. خانه‌ها معمولاً بدون تابعیت از نظم خاصی به هم چسبیده و تودرتو بودند؛ به گونه‌ای که مردم می‌توانستند از طریق پشت بام آن‌ها به منازل اطراف خود تردد داشته باشند (مستوفی، ۱۳۸۴، ص. ۴۳۲؛ کرزن، ۱۳۸۰، ص. ۴۰۴). اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود از بی‌نظمی و ظاهر آشفتۀ محله‌های مختلف به‌ویژه محله سنگلج می‌گوید: «... صبح علی‌الرسم، بطرف سنگلج رفتیم. کوچه‌ها بسیار کتیف بود. ابراهیم، نایب محله را به دست خود، کتک زد»

(۱۳۸۵، ص. ۱۶۷). البته این گونه کالبد پیچیده و نامنظم تابع عوامل خارجی نیز بود، زیرا تهران به لحاظ آب و هوایی زمستان‌های سردی را می‌گذراند. از این جهت نزدیکی خانه‌ها به هم و تراکم آن‌ها خود به نوعی از شدت بوران و سرمای زمستانی می‌کاست؛ همین طور به لحاظ امنیتی و دفاعی نیز نزدیکی خانه‌ها به هم و کوچه‌های تودرتو و تنگ، ساکنان شهر را به هنگام تعرض و قتل و غارت در امان نگه می‌داشت و قدرت مانور و تحرک را از مهاجمان سلب می‌کرد.

دیگر عنصر شهری در بین شهرهای دوره قاجار برج و بارو بود. بیشتر شهرهای اوایل دوره قاجار دارای بارو بودند، در برخی از این شهرها مانند تهران بر روی این باروها توپ‌هایی مستقر بود که به هنگام محاصره شهر برای دفع مهاجمان مورد استفاده قرار می‌گرفت (اولیویه، ۱۳۷۱، ص. ۶۹). در بین دیوار باروی این شهر به فاصله‌های معینی برج ساخته شده بود که در آن‌ها همواره نگهبانانی می‌گماشتند (هالینگبری، بی‌تا، ص. ۷۱). در این دوره طول باروی اطراف تهران به سه کیلومتر می‌رسید که در دوره ناصری با برنامه جدید توسعه شهری و افزایش وسعت پایتخت، ناصرالدین‌شاه دستور داد تمام برج و بارو و استحکامات دفاعی را خراب کرده و خندق آن را پر و حدود آن را عقب ببرند و خندق و باروی تازه‌ای در اطراف آن ساخت و محیط آن را از سه کیلومتر به ۱۷ کیلومتر رسانید و خیابان‌های عریض و طویلی در آن ایجاد کرد (رنه‌دالمانی، ۱۳۳۵، ص. ۷۶۳؛ فوروکاوا، ۱۳۸۱، ص. ۲۵۱؛ کریمان، ۲۵۳۵، ص. ۲۲۳).

بازارها در این دوره یکی از عناصر حیاتی زندگی شهری بود. در تهران این بازار در محدوده مرکزی و رو به جنوب قرار داشت و به وسیله دروازه عبدالعظیم با خارج از شهر مرتبط می‌شد. این بازار با مصالح خشت و آجر ساخته شده بود که در اکثر جاها برای مسقف کردن آن آجر و ملاط گچ به کار رفته بود و معمولاً داخل مغازه‌ها و

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران
ورودی آنها به وسیله کاشی کاری تزیین شده بود (فلاندن، ۱۳۵۶، ص. ۲۰۸). این بازار
تا قبل از تحولات کالبدی شهر در دوره ناصری، به تنهایی کارویژه اقتصادی خود را به
عهده داشت. به همراه آنها برخی بازارچه‌ها در گوشه و کنار شهر فعالیت داشتند و آن
دسته از محله‌هایی که دور از بازار اصلی قرار داشتند می‌توانستند مایحتاج خود را از
بازارچه‌های نزدیک محله خود خریداری کنند.

تحولات جزئی کالبدی - فضایی تهران در اوایل دوره ناصری (۱۲۷۶-۱۲۸۴ق)

با آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه (۱۲۶۷ق/۱۸۴۸م) کار نوسازی پایتخت، که افزایش
جمعیت و گسترش روزافزون سطح شهر و تمرکز روزافزون امور دولتی در تهران آن را
ضروری‌تر از پیش کرده بود، از سرگرفته شد. در دوره ناصری تهران به لحاظ
شهرسازی وارد مرحله جدیدی شد که این امر چهره شهر را به تدریج دگرگون ساخت.
در این بین جامعه شهری تهران با رویه سنتی غالب بر آن، در یک طیف مرکب از
تأثرات مدرن غربی چهره تحولات شهرسازی را با ریختی ترکیبی نمایان ساخت.
بناهای مختلفی از جمله چند عمارت و سرای باشکوه برای خانواده سلطنتی ساخته شد
که سرای مهد علیا از جمله آنها بود. چندین حمام با سنگ مرمر و کاروانسرای
سبزه میدان و دروازه جدید ارگ، توپخانه و قراولخانه و کالسکه‌خانه و کشیکخانه و
کارخانه بلورسازی، کاغذگری و نجاری ساخته و همچنین در مسجد شاه و دروازه‌های
شهر تهران و در گنبد حضرت عبدالعظیم تغییراتی در جهت بهسازی و نوسازی اعمال
شد (سپهر، ۱۳۷۷، ص. ۶۰۶). یکی از نخستین اقدامات ناصرالدین شاه در حوزه
ساخت عناصر بافتاری شهر، احداث مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ق بود. این اقدام
که به تشویق امیرکبیر صورت گرفت گامی مهم در نهاد آموزشی جامعه سنتی دوره
قاجار محسوب می‌شد. همین عنصر آموزشی در سال‌های بعد با پرورش لایه نازک و

هرچند پراکنده‌ای از جامعه شهری تهران، در جریان تحولات کالبدی و فضایی شهر مزبور نقش مهمی را ایفا کرد. این مدرسه در قسمت شمال شرقی ارگ تهران قرار داشت که از طرفی بین خیابان‌های ناصریه و الماسیه و از طرف دیگر بین توپخانه و خیابان دراندرون در یک زمین مستطیلی شکل واقع شده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ص. ۹۲؛ کرزن، ۱۳۸۰، ص. ۶۳۸؛ کرمانی، ۱۳۸۴، ص. ۵۳؛ فوریه، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۵). مدرسه مزبور علاوه بر این که از جهت کالبدی بنای جدیدی محسوب می‌شد، از لحاظ جامعه‌شناختی با تدریس برخی علوم در آن به‌ویژه معماری و نقشه‌کشی، به‌نوبه خود در زایش عناصر جدید کالبدی و تغییرات فضایی شهر مهم بود؛ از این رو به‌عنوان عنصری مهم و مؤثر در نهاد آموزشی دوره قاجار ایفای نقش کرد. همچنین در زمان صدارت امیرکبیر تیمچه و بازاری نیز در محوطه بازار امیر تهران ساخته شد (۱۲۶۷ق) که اولی تیمچه اتابکیه و دومی بازار امیر نام گرفت. بازار امیر از مهم‌ترین بازارهای تهران شد و سرای آن شامل دو طبقه و در مجموع ۳۶۶ حجره بود، که به سرای اتابکیه هم معروف بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ص. ۹۰). میدان توپخانه (کازاما، ۱۳۸۰، ص. ۴۲) و عمارات توپخانه و سبزه میدان (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ص. ۹۰۳) نیز از جمله این تحولات در راستای زایش عناصر بافتاری شهر بود که در این زمان بنا شد. نوسازی دهانه بازار و چند حمام مرمر و همچنین تعدادی خانه در خارج از حصار تهران از دیگر اقدامات صورت‌پذیرفته در دوره صدارت امیرکبیر بود.

در اوایل حکومت ناصری، دو کاخ مهم در نواحی بیرونی تهران بنا شد که البته در سال‌های بعد با توسعه شهر این بناها در بافت جدید قرار گرفتند. کاخ نیاوران بنایی بود که در دوره ناصرالدین‌شاه بازسازی و نوسازی شد (۱۲۶۸ق). این کاخ در بین باغات نیاوران قرار داشت. در جریان بنای این کاخ تحولاتی نیز در لاله‌زار، نگارستان و قصر

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران قاجار صورت گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، صص. ۱۷۳۳-۱۷۳۴؛ شیرازی، ۱۳۶۱، ص. ۲۸). در سال ۱۲۶۹ق قصر دوشان‌تپه نیز به دستور ناصرالدین‌شاه بنا شد. دوشان‌تپه ناحیه‌ای در شمال شرق تهران بود که ناصرالدین‌شاه برای شکار به آن منطقه می‌رفت. این قصر بر روی تخته‌سنگی بنا شده بود (شیرازی، ۱۳۶۱، ص. ۱۵) که هم از لحاظ مصالح به کار رفته و هم از لحاظ پی‌ریزی و استحکام دارای ویژگی منحصر به فردی در معماری بود. تا قبل از سال ۱۲۸۴ق تحولات شهرسازی تهران از بُعد کالبدی - فضایی به صورت بسیار خفیف و محدود انجام شد. در این بین تحولاتی که در این سال‌ها، یعنی ۱۲۶۷ تا ۱۲۸۴ق به لحاظ شهری صورت گرفت، بیشتر از بُعد ساخت بناها و زایش عناصر جدید شهری نمود پیدا کرد.

تحولات فضایی و کالبدی شهر در سال‌های میانی و پایانی دوره ناصری (۱۲۸۴-۱۳۱۳ق)

دوره قاجار عصر برخورد و آشنایی با تمدن مدرن غربی بود. تا این زمان (اوایل دوره ناصری) تهران به عنوان پایتخت ایران در ابعاد مختلف شهرسازی به شیوه سنتی رشد یافته بود. در واقع آنچه تا قبل از سال ۱۲۸۴ق در شهرسازی تهران رخ نموده بود، غالباً تحت تأثیر سنت شهری آن دوره، زایش عناصر بافتاری شهر با سبک و سیاق سنتی بود. اما در این دوره تغییرات و دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی تحت تأثیر دنیای مدرن غربی صورت گرفت و این تغییرات به نوبه خود بر ساختار جامعه شهری ایران به طور عام و ساختار جامعه شهری تهران به طور خاص، تأثیر مستقیم گذاشت. ساخت کاخ‌ها و بناهای مختلف که تأثیر معماری اروپایی در آنها مشهود است و به دنبال آن محیط پیرامون این بناها باعث شد تا شهر از نظر کالبدی و فضایی تا حدود زیادی دچار تغییر شود. این تغییرات به طور محسوسی چهره شهر را دگرگون ساخت، طوری که کرزن در این مورد می‌نویسد: «آن‌هایی که در نیمه اول قرن نوزدهم به تهران آمده بودند وقتی

در دوره ناصری به‌ویژه پس از تأسیس دارالخلافه ناصری دیگر بار از تهران دیدن می‌کردند، به سختی آن را باز می‌شناختند» (کرزن، ۱۳۸۰، صص. ۴۰۶-۴۰۷). در این بین حضور ناصرالدین‌شاه در کشورهای اروپایی و گزارش‌هایی که طی بازدید از عناصر نوین شهرسازی در شهرهای اروپایی ارائه داده است، نمایانگر نقش فعال وی در جریان انتقالات فرهنگ شهرسازی غربی به ایران است. تعریف و تمجید شاه قاجار از عناصر کالبدی - فضای شهرهای اروپایی همچون تماشاخانه و خیابان‌های عریض با ویژگی‌هایی متمایز از معابر تهران (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۹، صص. ۱۴۷-۱۶۵؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۷، صص. ۷۱-۷۴؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲، صص. ۶۲-۶۳، ۶۹) طی مسافرت‌های اول، دوم و سوم به فرنگ و عدم حضور و شیوع رویه شهرسازی غربی در سال‌های قبل از این نوع دیدارها و گزارشات در شهرهای ایران، مدعای فوق را تصدیق و تأیید می‌کند.

تحولات کالبدی و فضایی شهر تهران هرچند از سبک شهرهای مدرن غربی تأثیر می‌پذیرفت، ولی این نکته را نیز نباید فراموش کرد که دگرگونی‌های کالبدی حاصل از نیروهای خارجی تحت تأثیر نیروهای فرهنگی و هنری بومی قرار گرفتند. درواقع، اندیشه نوینی که از تمدن غربی به جامعه قاجار به‌طور اعم و جامعه شهری تهران به‌طور اخص راه یافته بود در راستای برخورد جامعه سنتی ایرانی با جامعه و تمدن مذکور بود؛ لذا نیروهای اجتماعی بومی ایران که جامعه شهری تهران به‌عنوان ساکنان پایتخت در جایگاه آغازین آن قرار داشتند، واکنش‌های متفاوتی را در برابر بروز و شیوع تحولات جدید از خود نشان دادند. از این‌رو شکل شهر و تغییرات فضایی تهران و همین‌طور تحولاتی که در کاربری اقتصادی، دینی، سیاسی - نظامی عناصر مختلف شهری در این دوره به‌وجود آمده بود، همگی ترکیبی از اندیشه‌های مدرن خارجی و

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران

اندیشه‌های سنتی داخلی بود. لذا اکثر بافت قدیمی شهر با وجود تحولاتی که در مسیر خیابان‌ها و کوچه‌ها صورت گرفت به شکل سنتی باقی ماندند. گرچه در این دوره ساختن بناهای مدرن مانند کلاه فرنگی به سبک اروپایی در ایران آغاز می‌شود، اما این تحولات به زعم برخی صاحب‌نظران با تغییر ساختار و استخوان‌بندی شهر همراه نیستند، و ساختار سنتی هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهد (جهانبگلو، ۱۳۷۹، ص. ۶۵). به قول کرزن: «خواه و ناخواه تهران در راهی افتاده است که برمبنای آسیایی شکل و قیافه اروپایی خواهد یافت» (۱۳۸۰، ص. ۴۰۷). با توجه به رویه تحولات و اشاراتی که ناظرین آن دوره از شهر تهران ارائه می‌دهند می‌توان نمودی از تداوم را در عین تحول در ساخت شهری این دوره شناسایی کرد. این جریان نمایانگر ماهیت برخورد جامعه شهری تهران در مورد تحولات شهری و شهرسازی منطبق با دنیای مدرن غربی است. لذا سبک معماری این دوره غالباً در ساخت بناهای کوچک و بالاحص ساختمان‌های مسکونی طبقه متوسط جامعه، ترکیبی از معماری نو و کهنه است. به عبارت دیگر وجود پنجره به‌عنوان یک عنصر جدید که از معماری نوین وام گرفته و اندرونی که ریشه در معماری سنتی جامعه، به‌صورت ترکیبی در خانه‌های تهران در این دوره «به‌ویژه خانه‌های اعیان و اشراف همانند خانه امین‌الضرب» (گزارش‌های سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران، ۱۳۷۴، ص. ۲۵۶) مشاهده می‌شود. در اینجا می‌توان از تلاقی قالب و محتوا در شهرسازی و شهرنشینی در خدمت عقاید و رویکردهای جامعه شهری تهران سخن گفت. شهر مذکور با وجود اینکه در مقوله ریخت‌شناسی و زایش عناصر جدید شهری وارد فضای جدیدی شد، اما این امر به‌طور خاص در محدوده عناصر کالبدی اداری - حکومتی صورت پذیرفت و این تحولات در شهرسازی همه بخش‌های آن عمومیت نیافت، زیرا همان‌طور که در بالا اشاره شد

جامعه سنتی تهران به‌عنوان نمودی از جامعه ایرانی در دوره قاجار، نمی‌توانست تحولات مدرن غربی را بدون تلفیق با عناصر بومی بپذیرد.

وسعت شهری تهران

تهران به‌عنوان پایتخت تا اوایل دوره ناصری بیشتر به لحاظ کمی رشد یافته بود و بر تعداد ساکنانش افزوده شده بود. در پی این افزایش جمعیت ناصرالدین‌شاه چاره کار را گسترش شهر دید و در سال ۱۲۸۴ق مقرر شد از سوی دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع^۱ و هریک از سه سوی دیگر یک هزار ذرع بر وسعت شهر بیفزایند؛ از این رو مسئولیت این مهم را به عهده مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر سپردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص. ۹۱).

کار رشد و گسترش فضای بافتاری شهری در مرحله اول در سال ۱۲۸۴ق با تخریب حصار دوره فتحعلی‌شاه شروع شد. حصار جدید از سه جهت در فاصله یک کیلومتری و در شمیران در فاصله بیش از یک کیلومتری از حصار قبلی بنا شد. این حصار برخلاف حصار قبل دارای اضلاع هشت‌گانه بود و طول این حصار به نوزده کیلومتر رسید. از این رو بر مساحت تهران نیز افزوده شد و چیزی در حدود چهار و نیم برابر وسعت پیشین گسترده‌تر و بزرگ‌تر شد. در واقع وسعت شهر که تا قبل از این اقدام در حدود چهار کیلومتر مربع می‌رسید، هم اکنون بعد از رشد جدید در سال فوق‌الذکر به بیش از هجده کیلومتر مربع افزایش یافت (سعیدنیا، ۱۳۷۶، ص. ۲۹).

با گسترش حصار اطراف شهر بر تعداد دروازه‌های پیشین نیز افزوده شد و هفت دروازه جدید دیگر به نام‌های یوسف‌آباد، بهجت‌آباد، غار، باغشاه، خراسان، دوشان‌تپه و گمرک در این حصار جدید ساخته و تعبیه شد (همان، ص. ۳۰). این امر علاوه بر اینکه موجب رشد شهر شد همچنین دورنمایی جدیدی را برای هر بیننده‌ای که از دور تهران

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... ————— حسن الهیاری و همکاران

را نظاره می‌کرد به نمایش می‌گذاشت. باین حال در عین تحول و گسترش سازه‌های شهری، مجدداً ردپای عناصر شهرسازی پیشین در کالبد جدید شهر در قالب دیوار، حصار و دروازه‌ها تداوم می‌یابد. از این رو با توجه به شواهد موجود در مورد شهرسازی دوره مورد بحث می‌توان الگوهای رفتاری خاصی را در جامعه شهری تهران که نمودی از سبک شهرسازی اصفهان در دوره صفویه بوده شناسایی کرد. این الگوهای رفتاری که در قالب آداب و عادات شهرسازی در جامعه شهری مذکور تعمیق یافته بود، هم اکنون بدون تسخیر نمادهای شهرسازی مدرن غربی از حضور این موارد در شهرسازی جدید ممانعت به عمل می‌آورد. با رشد شهر، خیابان‌ها و خانه‌ها به لحاظ مکان‌گزینی نسبت به بافت قدیمی تهران در موقعیت‌های متفاوتی قرار گرفتند. به عبارتی خیابان‌ها نسبت به خیابان‌های بافت قدیمی از نظم خاصی برخوردار شدند و به جای اشکال پیچ در پیچ و منحنی که یادگار سبک شهرسازی دوران پیشین ایرانی بود و در راستای جلوگیری از تهاجمات و غارت‌های احتمالی و نهایتاً برقراری امنیت با کارویژه امنیتی راه‌بندان و بستن معابر و گذرگاه‌ها ایفای نقش می‌کرد، هم اکنون وارد مرحله جدیدی شد که نشانه برخورد تمدن ایرانی با تمدن مدرن غربی بود؛ از این رو بافت جدید از خطوط موازی و منقطع تشکیل می‌شد و به تدریج از آن پیچیدگی معابر که حاصل نزدیکی بافت‌ها به هم بود، کاسته شد (شکل ۲). در جریان این توسعه سبک جدیدی در کنار سبک سنتی دوره صفوی تشکیل می‌شود. در تهران با وجود توسعه محله‌های اطراف در سبک سنتی دخالت کم‌تری می‌شود و علاوه بر دگرگونی‌هایی که در محله ارگ صورت گرفته بود و همین‌طور ایجاد دارالفنون و ایجاد خیابان‌های ناصری و باب اندرون و باب همایون در دیگر بخش‌های قدیمی شهر دخالت کم‌تری صورت پذیرفت.

محسن حبیبی معتقد است که در این دوره محله به‌عنوان عنصر اصلی سازمان شهری هنوز در شیوه شهرسازی تهران، نقش بازی می‌کند، ولی برعکس مکتب اصفهان این محلات دیگر محل تظاهرات قومی، قبیله‌ای و نژادی نیست. در این مرحله اجتماعات شهری تهران در راستای تحولات جدید از بُعد محلات وارد مرحله جدیدی می‌شود و این بار محله به‌عنوان عنصری از عناصر مشترک شهرسازی و شهرنشینی با مفهومی نوین در سبک جدید نمایان‌گر تمایزات اجتماعی می‌شود. نمونه بارز آن محله فرودستان و فرادستان بود (حبیبی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۴).

خیابان‌ها و بازارها

بازارها همواره در شهرهای ایران نقش کلیدی بازی می‌کردند؛ از یک سو مکان فروش تولیدات روستاییان و همین‌طور واردات تجاری و از سوی دیگر مکانی مهم برای خرید مردمان شهر بود. بازار تهران همان‌گونه که اشاره شد در محدوده مرکزی و رو به جنوب قرار داشت. تا قبل از اینکه توسعه‌ای صورت پذیرد این بازار به تنهایی همراه با تعداد محدودی بازارچه در گوشه و کنار شهر پاسخ‌گوی مایحتاج مردم بود. با رشد و توسعه شهر در دوره ناصری، بازار در بافت قدیمی خود باقی ماند و برخلاف دیگر عناصر شهر که در این جریان رشد یافتند بازار تهران هم‌چنان به اصناف مختلف تقسیم می‌شد و در بخش‌های مختلف آن پیشه‌وران و صنعت‌گران (دروویل، ۱۳۳۷، ص. ۸۳) مشغول به کار بودند.

از نظر کالبدی بازار نیز مثل سایر قسمت‌های پایتخت در دوره ناصرالدین‌شاه تغییرات عمده و اصلاحات ضروری فراوان به خود دید. کرزن در باب بازار تهران این‌گونه اشاره می‌کند؛ «مدخل اصلی بازار از دالان مقابل شمس‌العماره است و آن از راه محوطه‌ای که حوض و آب روان دارد و سبزه‌میدان نامیده می‌شود، به راسته‌ای کم نور

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران

با سقفی منحنی منتهی می‌شود و سراسر دارای گنبد آجری است و غالباً هم به حیاط یا میدانی راه دارد و دارای کاروانسراهایی است» (کرزن، ۱۳۸۰، ص. ۴۳۷). با توسعه شهر، کارویژه بازارها و همین‌طور کارویژه خیابان‌ها تا حدودی متحول شد. تا این زمان بازار و در کنار آن بازارچه‌های تهران تنها مراکز اساسی اقتصاد شهر بودند، اما با رشد شهر و مدرن شدن شکل خیابان‌ها این کارویژه بین این دو عنصر شهری تقسیم شد و فضای اقتصادی شهر را متفاوت با دوره قبل کرد. در کنار خیابان‌ها دکان‌هایی بنا شدند و بخشی از وظایف بازار را برعهده گرفتند. با این حال بازارها همچنان در قالب پیشین خود به‌عنوان عنصر اساسی بخش اقتصادی شهر باقی ماندند. هرچند دکان‌ها در کناره‌های معابر بخش محدودی از کارویژه اقتصادی بازارها را برعهده گرفتند که نمودی از تحولات شهرسازی دنیای غرب بود، اما با این حال کلیت بازار با سهم بیشتری در ایفای نقش این کارویژه حفظ شد که این جریان نیز نمودی از تداوم این بخش از عناصر شهری بود.

کوچه‌ها و خیابان‌های بافت سنتی تهران و اکثر محلاتی که مربوط به قبل از دوره ناصری بود همواره تاریک و دو طرف آن‌ها به‌واسطه دیوار بلند خانه‌ها محصور می‌شد (دوسرسی، ۱۳۶۲، ص. ۱۳۶). اکثر این محل‌های عبور دارای یک جوی آب روان بودند که برخی از فاضلاب خانگی منازل در این جوی‌ها ریخته می‌شد و فضای غیربهداشتی ایجاد می‌کرد. معمولاً در فصل‌های گرم سال از شدت فساد این مواد، بوی بدی در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر پخش می‌شد (موریه، ۱۳۸۶، ص. ۷۵). علاوه‌بر این، محل‌های عبور معمولاً خاکی و بدون سنگ‌فرش بودند که این امر موجب گردوخاک در فصل‌های خشک سال و همین‌طور گل‌آلود شدن آن‌ها در فصل‌های بارانی می‌شد. البته آنچه در خلق مشکلات اخیر در معابر مهم و اساسی به نظر می‌رسید

همانا نزدیکی عناصر بافتاری و تراکم بدون توجه به زاویه تابش خورشید بود. این امر موجب سایه‌افکنی فضاهاى بافتاری بر معابر می‌شد که علاوه بر ممانعت از تابش نور خورشید متقابلاً جریان هوا و باد را جهت خشک کردن معابر در فصول بارانی با مشکل روبه‌رو می‌کرد و نهایتاً در فصول مذکور منتج به حضور گل و لای در این معابر می‌شد. در بافت جدید شهر با الگوگیری از برخی شهرهای اروپایی تا حدودی از این دست مشکلات کاسته شد. این تحول در کارویژه معابر و خیابان‌ها نیز در دوره ناصری از جمله آثار فرهنگ شهرسازی غربی بود که توسط برخی فرستادگان ایرانی در همان سال‌ها یا قبل از آن و همچنین توسط شخص ناصرالدین‌شاه انتقال یافته بود. ناصرالدین‌شاه و بعضی فرستادگان ایرانی از جمله رضا قلی میرزا نایب‌الایاله و علوی شیرازی در جریان دیدار از شهرهای اروپایی از جمله مسکو، پاریس و لندن و دیگر شهرها، برخی از عناصر شهری را که دارای کارویژه متفاوت بودند مورد توجه قرار داده‌اند (علوی شیرازی، ۱۳۶۳، صص. ۷۶-۷۷؛ نایب‌الایاله، ۱۳۷۳، صص. ۴۰۷-۴۰۸؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۹، صص. ۱۴۷، ۱۵۷؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۱، صص. ۲۲۴-۲۲۵). در پی این امر از یک سو استخوان‌بندی شهر دچار دگرگونی شد و از طرف دیگر برخی مشکلات و نقایص این بخش از فضای شهری تا حدودی کاسته شد.

با توسعه تهران محلات جدید با خیابان‌های عریض‌تر و با پیچ و خم کم‌تری بنا شدند. در فضای شهری جدید، به میزان نورگیری خیابان‌ها نیز تا حدودی توجه شد. در بافت قدیمی با ریزش برف در فصل‌های زمستان به علت عدم توجه به میزان نورگیری، معابر در اکثر روزهای فصل زمستان یخبندان بود. اما در بافت جدید با دقت به این قضیه میزان یخبندان در سراسر روزهای سرد سال بسیار کم‌تر از معابر بافت قدیمی شهر بود.

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... ————— حسن الهیاری و همکاران

در فضای کالبدی جدید شهر خیابان‌ها به‌عنوان یک عنصر مهم، بخش‌هایی از اقتصاد شهری را برعهده می‌گیرند. محسن حبیبی درمورد عملکرد خیابان‌های سبک تهران (مدرن) معتقد است این خیابان‌ها نه چون مکتب اصفهان، عملکرد تفرجی دارند و نه چون خیابان‌های دوره بعدی صرفاً نقش دسترسی سواره را بازی می‌کنند (حبیبی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۵). در واقع خیابان‌ها در این زمان عملکردی تلفیقی دارند؛ از یک سو هم نقش عبور و مرور را دارند و از سوی دیگر نقش اقتصادی، از آن جهت که در کناره‌های خیابان‌های دوره ناصری دکان‌ها قرار گرفته‌اند (فوریه، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۸-۱۳۹). این امر خود به نوعی به خیابان‌ها نقش تفرجی را نیز می‌دهد، زیرا بسیاری از مردم برای گذران اوقات فراغت به قدم زدن در این خیابان‌ها و تماشای کالای مغازه‌ها مشغول می‌شدند.

خانه‌ها

ساخت خانه‌ها در مناطق مختلف تا حد زیادی تابع عوامل محیطی و سرزمینی است. در تاریخ ایران این امر کاملاً مشهود است. برای مثال خانه‌های شمال معمولاً از چوب و خشت خام درست می‌شدند (فریزر، ۱۳۶۴، ص. ۵۴۳)؛ و همین‌طور خانه‌های جنوب و سواحل خلیج فارس با سنگ و گل درست می‌شدند (لایارد، ۱۳۶۷، ص. ۱۸۱). در واقع منازل در مناطق مختلف کشور از مصالح قابل دسترس و مجاور خود ساخته می‌شدند و همین‌طور از مصالحی استفاده می‌شد که در برابر شرایط آب و هوایی مربوط به خود مقاومت خوبی داشته باشد؛ همان‌گونه که در نواحی کوهستانی منازل از سنگ ساخته می‌شدند.

در این دوره خانه‌های تهران بنا به وسع مالی اهالی آن متفاوت بود. بسیاری از منازل افراد متمول دارای حیاطی بزرگ بود و حوض آبی در آن قرار داشت. معمولاً اکثر این

خانه‌ها به صورت دو طبقه ساخته می‌شد؛ یعنی طبقه‌ای منفی که در زیر زمین قرار می‌گرفت و غالباً انبار محسوب می‌شد^۲ و طبقه رویین آن که هم کف با زمین و محل زندگی خانواده‌ها بود. منازل این شهر معمولاً از خشت و گل ساخته می‌شد و سقف آن‌ها نیز یا با خشت و گل یا با آجر و گچ طاق زده می‌شد یا اینکه به وسیله تنه درختان و شاخ و برگ آن‌ها پوشانده می‌شد که برای جلوگیری از نفوذ نزولات آسمانی بر روی این سقف‌ها ملاط کاه و گل کشیده می‌شد (بن تن، ۱۳۵۴، ص. ۷۲؛ فلاندن، ۱۳۵۶، ص. ۹۶). سقف و دیوارهای برونی منازل شهر بیشتر بر ریخت شهری تأثیرگذار بودند و وجود کالدهای گلی و گچی منازل به شهر رنگی یکدست می‌داد. هرچند به لحاظ قرارگیری منازل در کنار هم ترتیب کم‌تری به چشم می‌خورد، مصالح به کار رفته در آن‌ها کالبد شهر را حداقل به لحاظ رنگ یکدست نشان می‌داد.

در اطراف حیاط خانه‌ها دیوار بلند کشیده می‌شد و معمولاً خانه‌های عامه مردم در نمای بیرونی هیچ‌گونه تزیینی نداشت؛ از این رو به لحاظ ریخت‌شناسی عناصر شهری، نوعی از سادگی و یکدستی نمایان می‌شد. این سادگی بافت مسکونی در حدی بود که نه نظر دیگران به آن‌ها جلب می‌شد و نه ماهیت معماری فضای داخلی منازل از بیرون قابل تشخیص بود (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۴). با ورود تفکرات مدرن شهرسازی غربی در دوره ناصری برخی تحولات در خانه‌های دوره قاجاری رخ نمود. خانه‌ها قبلاً با فاصله بسیار نزدیک در کنار هم و همان‌طور که اشاره شد بدون نظم خاصی در اطراف هم قرار می‌گرفتند، اما در این دوره با نوسازی برخی از معابر و خیابان‌های بافت قدیمی شهر، در برخی از بناها و موقعیت قرارگیری آن‌ها تحولاتی ایجاد شد. در واقع تحول توأمان این نظام شهری سنتی در شکل و محتوای خود، از اصلاحات ناصری و به‌ویژه ایجاد محلات جدید در شمال شهر مانند محله دولت و

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... ————— حسن الهیاری و همکاران

خیابان لاله‌زار آغاز شد. البته این موضوع را نیز نباید فراموش کرد که خانه‌ها و به‌طور کل فضای مسکونی شهر به‌لحاظ کمی و وسعت غالب بر دیگر عناصر کالبدی بود و در واقع به‌عنوان نمایانگر نوع تفکرات سنتی و اصیل ساکنان آن، تحت‌تأثیر جامعه شهری تهران و الگوهای رفتاری غالب بر آن قرار داشت؛ از این‌رو با وجود پذیرش تحولات در این قسمت از بافت شهر هنوز همان گونه که در بالا نیز اشاره شده کلیت منازل در شهر مذکور تابع رویه سنتی خود بودند. تمام مناطق مشرف به محله دولت و خیابان لاله‌زار پس از جلوس ناصرالدین‌شاه احداث و آباد شدند و قبل از آن مخروبه یا باغ بودند (اورسل، ۱۳۵۳، ص. ۱۱۳). این تحولات جدید علاوه‌بر اینکه تغییراتی در عناصر بافتاری شهر ایجاد کرد به تحول فضای ریخت‌شناسی شهر نیز منتج شد. اما این موضوع را در این مرحله نیز نباید فراموش کرد که بخش اساسی شهر که با شیوه نزدیک‌تری به شیوه مدرن در این دوره ساخته شد، بخش‌هایی بود که در جریان توسعه شهری بین سال‌های ۱۲۸۴ق تا ۱۳۱۳ق ساخته شدند.

ساخت اماکن جدید

در جریان تحولات کالبدی تهران در دوره ناصری علاوه‌بر اینکه تهران چندین برابر رشد پیدا کرد و برخی عناصر شهری نوسازی شد، تعدادی عناصر جدید شهری مختص زندگی مدرن غربی نیز در تهران ساخته شدند. این عناصر جدید را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ عناصری که بنا به نیازهای جدید وارد کالبد شهر شدند و بخش دیگر عناصری که از قبل در شهرسازی ایرانیان وجود داشته، ولی این‌بار با تأثیرپذیری از دنیای مدرن غربی نوسازی شدند یا با شکل جدید در مکان‌های نو بنا نهاده شدند.

عناصری که ذیل دسته اول می‌توان قرار داد شامل؛ عمارت تلگراف‌خانه، برج ساعت عمارت شمس‌العماره، تماشاخانه، سینما، چاپ‌خانه، هتل، باغ وحش و گیاه و

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

بانک بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، صص. ۵۰-۵۹). این عناصر شهری جدید بنا به نیازهای جدیدی که در جامعه قاجار به وجود آمده بود در میان عناصر پیشین بنا و در کالبد شهر هویدا شدند؛ از این رو فضای شهر نیز شکل و ریخت جدیدی به خود گرفت. آشنایی ناصرالدین شاه از دنیای مدرن غربی که طی سه مرحله سفر به اروپا به وجود آمده بود و همین طور تلاش‌های امیرکبیر برای مدرن‌سازی ایران هرکدام از سویی پایه‌های ورود برخی از عناصر جدید را به ایران هرچند سطحی فراهم کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به دستگاه‌های چاپ، تلگراف و دوربین و پخش فیلم، اشاره کرد. در این جریان به کار انداختن هرکدام از این گونه دستگاه‌ها نیازمند تأسیسات و بناهای جدید در تهران بود. این امر به نوبه خود موجب زایش عناصر کالبدی جدیدی در بافت سنتی تهران دوره ناصری می‌شد که فضای کالبدی و ریخت‌شناسی شهر را متفاوت با فرم پیشین آن نمایان می‌ساخت. از جمله این تأسیسات که در فضای بافتاری شهر جزئی از عناصر نوین بافت شهری محسوب می‌شد، تماشاخانه بود که ناصرالدین شاه شخصاً نمونه‌هایی از آن را در فرانسه مشاهده کرده و طی بازدید از این عناصر مدرن شهری، یافته‌های بصری خود را به ثبت رسانده بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۹، ص. ۸۲، ۹۳). در واقع شاه قاجار و دیگر فرستادگان ایرانی در جریان دیدار از این گونه عناصر شهری و ثبت گزارش‌های خود، در انتقال شیوه شهرسازی غربی به ایران ایفای نقش کرده‌اند.

دسته دیگر عناصر مدرن شهری، بناهایی بودند که اکنون با ورود اندیشه‌های جدید و تأثیرپذیری از تفکرات شهرسازی و معماری مدرن غربی، شکل جدیدی به خود گرفته بودند. این بخش بیشتر مربوط به عمارات و بناهای دولتی بود. از جمله این عمارات می‌توان به قصر عشرت‌آباد، قصر یاقوت، عمارت سلطنت‌آباد، قصر امیریه، مدرسه و مسجد سپهسالار و باغ بهارستان اشاره کرد که در این دوره با ریخت و

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران
معماری جدید و متأثر از بناهای غربی ساخته شدند (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ص. ۵۲۱؛
سپهر، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۵۰؛ شقاقی، ۱۳۵۳، ص. ۲۵).^۳ این بناها در مکتب اصفهان نیز
حضور داشتند، ولی در این دوره به لحاظ ریخت‌شناسی عناصر شهری فرمی متفاوت و
مطابق با شهرهای مدرن غربی به خود گرفتند و با تحولات جدید هم‌ساز شدند و نهایتاً
به‌عنوان بخشی از کالبد شهری، به نوبه خود فضای شهری تهران را وارد دوره جدیدی
از تحولات شهرسازی کردند. با وجود این کلیت سنتی این گونه اماکن در قالبی تلفیقی
که از امتزاج دو جامعه ذکر شده صورت پذیرفته بود حفظ شد.

نتیجه

تهران به‌عنوان پایتخت قاجار نقطه مرکزی تحولات شهرسازی ایران بود. دوره قاجاریه
در تاریخ ایران دوره آغاز تحولات و گذار از عصر سنت به مدرنیته بود که سرمنشأ آن
را می‌توان در دوره فتحعلی‌شاه در جریان برخورد ایران با روسیه بررسی کرد. در دوره
ناصری با حضور امیرکبیر این تحولات به‌طور جدی دنبال شد. از این جهت شهر تهران
به‌عنوان بطن این تحولات نیازمند برخی تأسیسات و بناهای جدید برای واردات غربی
از جمله تلگراف، قطار، دستگاه چاپ، بانک، سینما و دیگر موارد بود. ناصرالدین‌شاه با
سفرهایی که به کشورهای غربی داشت، نسبت به تحولات شهری و ساخت عناصر
جدید شهری علاقه‌مند بود و از طرف دیگر امیرکبیر نیز با تأسیس دارالفنون و فرستادن
ایرانیان به دانشگاه‌های غربی و استخدام معلمان اروپایی در دارالفنون در تحولات
کالبدی تهران نقش اساسی داشت. این تلاش‌ها باعث شد تا چهره شهر هم به‌لحاظ
کالبدی - فضایی و هم به‌لحاظ ریخت‌شناسی نسبت به سبک اصفهان دگرگون شود و
تحدودی ریخت شهر اروپایی را به خود بگیرد. این تحولات شهری در دوره ناصری
به شیوه‌های گوناگون بر ابعاد مختلف تهران اثر گذاشت. از جهتی این تحولات، با روند

زایش عناصر شهری همراه بود که موجب شد تهران از مساحت سه هزار متر مربعی خود به بیش از هجده هزار متر مربع گسترش یابد. این رشد شهری که نهایتاً موجب توسعه آن شد، به همراه خود احداث برخی از عناصر قبلی با معنا و مفهوم جدیدی را در پی داشت (برای مثال میادین جدیدی که در کالبد نو احداث شدند). دسته دیگری از این تحولات از طریق نوسازی در برخی از عناصر شهری صورت پذیرفت. تحولات دیگری که در بُعد فضایی شهر ایجاد شد شامل ساخت برخی عناصر جدید مانند بیمارستان، سینما، چاپخانه و از این قبیل بود که در آن دوره ریخت شهر قاجاری را متفاوت می‌ساخت. بخشی از تحولات کالبدی نیز علاوه بر اینکه از بُعد ریخت‌شناسی متحول شدند، از بُعد کاربری و کارویژه‌ای نیز تغییر پیدا کردند. برای نمونه خیابان‌ها بیشتر از حالت مارپیچی به حالت شطرنجی درآمدند و عریض‌تر هم شدند و از طرفی کاربری تفریحی و عبور و مرور خود را با کاربری اقتصادی ممزوج کردند و از این جهت بازار که تا این زمان کارویژه اقتصادی خود را حفظ کرده بود این‌بار کارویژه خود را با دکان‌هایی که در کنار خیابان‌های مدرن با سبک فرنگی بنا شده بودند تقسیم کرد و خیابان‌ها نیز معنا و مفهوم جدیدی را به خود گرفتند. تحولات کالبدی و فضایی تهران در دوره ناصری از جهات مختلف نوسازی، بهسازی، بازسازی، توسعه و احداث صورت گرفت و مکتب شهرسازی اصفهان که از دوره صفوی تا این دوره ادامه پیدا کرده بود تا حدودی متحول شد و ریخت و شاکله شهر با تلفیق دو سبک سنتی و مدرن در نگاه کلی دگرگون شد و وارد مرحله جدیدی شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. (هر ذرع برابر با ۱۰۴ سانتی متر است). ذرع یادشده معادل ۱۸۷۲ متر است.
۲. اصطلاحاً به این طبقات زیرین زیرزمین گفته می‌شده است که اکنون نیز برخی خانه‌های سنتی این زیرزمین‌ها را دارند.

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران

۳. ر.ک. حسین کریمان، ۲۵۳۵، صص. ۲۳۷-۲۴۰.

منابع

- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح م. ا. رضوانی. ج ۳. تهران: بی‌نا.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۸۵). روزنامه خاطرات. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۷۴). المائر و الآثار. تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، م. (بی‌تا). مرآت البلدان ناصری. ج ۳. تهران: بی‌نا.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح م. ا. رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- اورسل، ا. (۱۳۵۳). سفرنامه اورسل. ترجمه ع. ا. سعیدی. تهران: بی‌نا.
- اولیویه، گ. آ. (۱۳۷۱). سفرنامه مسیو اولیویه. ترجمه م. ط. میرزا به خط کاظم آشتیانی. تهران: اطلاعات.
- براوون، ا. (بی‌تا). یکسال در میان ایرانیان. ترجمه ذ. منصوری. تهران: بی‌نا.
- بن تن، آ. (۱۳۵۴). سفرنامه آگوست بن تن. ترجمه م. اتحادیه. تهران: بی‌نا.
- پوراحمد، ا.، فرجی ملایی، ا.، منوچهری، ا.، و عظیمی، آ. (۱۳۹۰). تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه تهران). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶، ۴۷-۶۱.
- جهانبگلو، ر. (۱۳۷۹). ایران و مدرنیته. گفت‌وگو با برنار اورکاد. تغییرات بافت شهری در ایران. ترجمه گفت‌وگوهای فرانسوی: ح. سامعی. تهران: گفتار.
- حبیبی، م. (۱۳۸۳). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
- دروویل، گ. (۱۳۳۷). سفرنامه دروویل. ترجمه ج. محیی. گوتنبرگ: بی‌نا.
- دوسرسی، ک. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ م. ترجمه ا. اشراقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رمضان جماعت، م.، و اکبری، ز. (۱۳۹۲). تحولات بافتی تهران در دوره قاجار تغییرات ایجادشده در نحوه قرارگیری خانه‌ها نسبت به معابر شهری. جامعه‌شناسی تاریخی، ۱، ۱۷۵-۲۰۲.
- رنه‌دالمانی، ه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه م. ع. فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.

- جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰
- ریاضی، س. (۱۳۸۹). تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار. تحقیقات فرهنگی، ۳، ۱۲۹-۱۴۸.
- سپهر، ع. (۱۳۸۶). *مرات الوقایع مظفری*. تصحیح ع. نوایی. ج ۲. تهران: مکتوب.
- سپهر، م. (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ*. ج ۳. تهران: اساطیر.
- سعیدنیا، ا. (۱۳۷۶). *شهر قم در شهرهای ایران*. به کوشش م. ی. کیانی و جهاد دانشگاهی. تهران: دانشگاه تهران.
- شقایق، ح. (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن الدوله*. تهران: امیرکبیر.
- شیرازی، ا. م. غ. (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. تهران: نشر تاریخ تهران.
- علوی شیرازی، م. م. ه. (۱۳۶۳). *سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی، ایلیچی، به روسیه*. مصحح م. گلبن. تهران: دنیای کتاب.
- عین‌السلطنه (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. به کوشش م. سالور و ا. افشار. تهران: اساطیر.
- فرهاد، ش. و کاشانی، ا. (۱۳۸۹). *بررسی معماری و شهرسازی در دوره قاجار*. همایش معماری و شهرسازی معاصر.
- فریزر، ج. ب. (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر*. ترجمه و حواشی م. امیری. تهران: توس.
- فلاندن، ا. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه ح. نورصادقی. تهران: اشراقی.
- فوروکاوا، ن. (۱۳۸۱). *سفرنامه فوروکاوا*. ترجمه ه. رجب‌زاده. تهران: مفاخر.
- فووریه (۱۳۸۵). *سه سال در دربار ایران*. ترجمه ع. اقبال آشتیانی. تهران: علم.
- کاتب، ف. (۱۳۸۴). *معماری خانه‌های ایرانی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کازاما، آ. (۱۳۸۰). *سفرنامه کازاما*. ترجمه ه. رجب‌زاده. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کریمان، ح. (۲۵۳۵). *طهران در گذشته و حال*. تهران: دانشگاه ملی.
- کرزن، ل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غ. ع. وحید مازندرانی. تهران: علمی فرهنگی.
- کرمانی، ن. (۱۳۸۴). *تاریخ بیداری ایرانیان*. تهران: امیرکبیر.

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... ————— حسن الهیاری و همکاران

کرمانی، ن. (۱۳۷۴). گزارش‌های سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران. تهران: دانشگاه تهران.

لایارد، س.ا. ه. (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد. ترجمه م. امیری. تهران: وحید.

معمدی، م. (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی تهران. تهران: دانشگاه تهران.

موریه، ج. (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه. ترجمه ا. سری. تهران: توس.

مستوفی، ع. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من. ج ۳. تهران: زوار.

میرزایی، ر. و دیگران (۱۳۸۵). بررسی مصالح بافت و رنگ در طراحی فضاهای توقف و استراحت در دوره معماری و شهرسازی مدرن ایران. در مجموعه سال سوم. ج ۳. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان. به کوشش ف. قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان. مصحح ف. قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۱). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان. مصحح ف. قاضیها و م. ا. رضوانی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

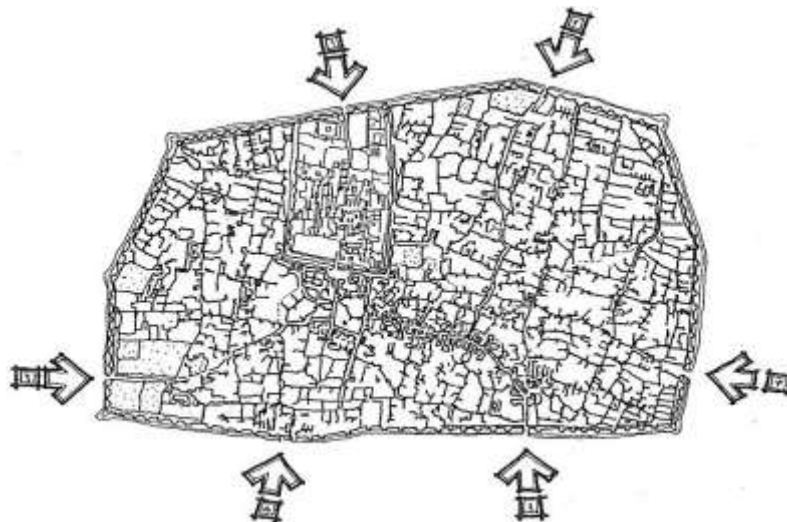
ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۲). سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ. تهران: مشعل با همکاری انتشارات غزل.

نایب‌الایاله، ر. (۱۳۷۳). سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله. تهران: اساطیر.

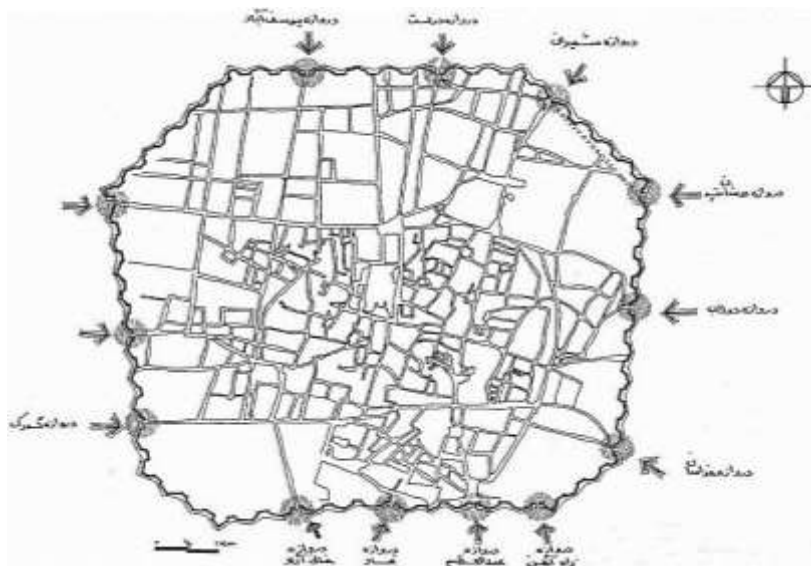
نوربخش، م. (۱۳۸۱). تهران به روایت تاریخ (تهران در نیم قرن سلطنت ناصرالدین شاه). ج ۲. تهران: علم.

هالینگبری، و. (بی‌تا). روزنامه مشاهدات فرستادگان انگلیسی به دربار ایران در سال‌های ۱۷۹۹-۱۸۰۱. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

هدایت، م. (۱۳۸۵). خاطرات و خطرات، تهران: زوار.

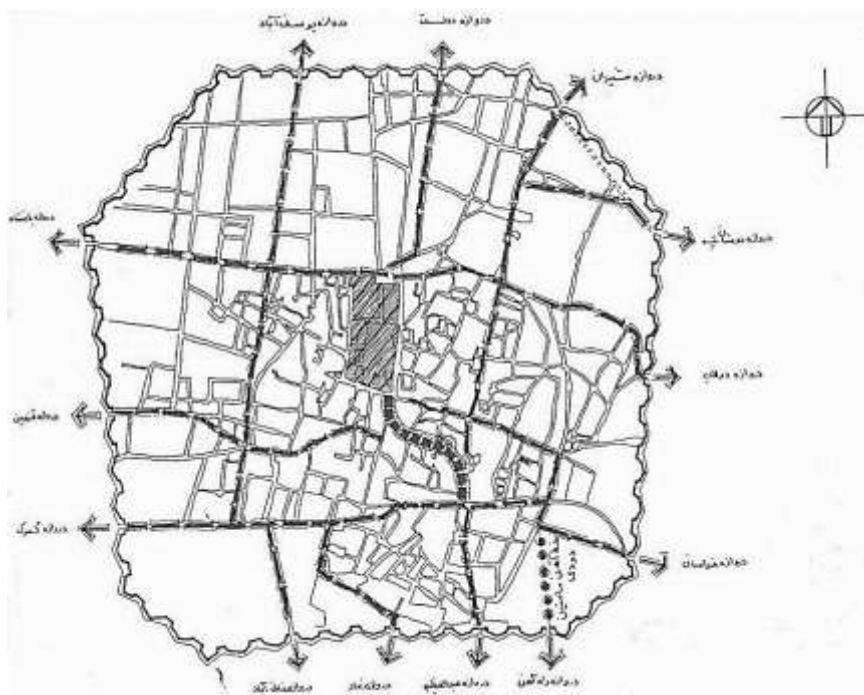


شکل ۱: دروازه‌های دارالخلافت تهران تا سال ۱۲۳۳ش (مأخذ: نقشه کرشیش)
۱. دروازه دولت ۲. دروازه شمیران ۳. دروازه دولاب ۴. دروازه عبدالعظیم ۵. دروازه خانی‌آباد
۶. دروازه قزوین



شکل ۲: دروازه‌های دارالخلافت تهران تا سال ۱۳۱۱ش (حبیبی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۱)

نقش جامعه شهری و شهرسازی غربی در تداوم و تحول... حسن الهیاری و همکاران



شکل ۳: ارتباطات اصلی شهری به دروازه‌ها و بازار دارالخلافه تا سال ۱۳۱۱ش
(حبیبی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۹)

The role of urban society and western urban planning in the continuity and evolution of physical-spatial of Tehran in the Nasserite era

Hasan Allahyari*, Pezhman Afkhami Amaleh Qashqai[†],
Amirhossein Hatami[‡]

Received: 04/02/2021 Accepted: 28/04/2021

Abstract

Urban planning of Tehran until the period of Naser al-Din Shah continued in the style of urban planning of the Safavid period. This method only met the needs of a traditional city in various limited political, economic and social dimensions. From the time of Nasser al-Din Shah, Tehran as the capital of Iran in the Qajar period and in the face of the Western world became a platform for developments in the field of urban planning and a model for other cities in Iran in this field; However, these developments did not enter the city in its pure Western form and appeared in a mixed and influenced by the traditional Iranian society. Therefore, the aim of the present study is to investigate the impact of Western urban planning and urban society of Tehran on the continuity and physical-spatial evolution of the city in the Naseri period. This research based on descriptive-analytical method has investigated this issue. The findings of this study show that the physical part of Tehran entered a new phase during the reign of Nasser al-Din Shah, influenced by Western civilization. These physical-spatial changes were not simply influenced by the modern Western world; Rather, indigenous cultural and artistic forces combined new influences with Iranian architecture. These developments were achieved on the one hand in the method of urban renewal in various dimensions and on the other hand in the quantitative dimension and the growth, reproduction and multiplicity of elements of the city. In the meantime, the characteristics of some of the urban elements of Tehran changed according to the new needs.

Keywords: Tehran; Naseri era; Western urban planning; urban society; urban renewal; physical-spatial evolutions.

[†] Assistant Professor of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran (Corresponding author), Email: hasanallahyari@pgu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-3124-0213>

[‡] PhD Candidate of Iran's history after Islam, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.

<https://orcid.org/0000-0002-0907-1396>

^{*} Assistant Professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

<https://orcid.org/0000-0001-7710-8940>